

بررسی علامت بودن استعمال بر معنای حقیقی از دیدگاه فریقین

عباس رضائی^۱

بلال شاکری^۲

چکیده

شاخصه استعمال در اندیشه اصولیان شیعه و عامه اهل سنت، از دیرباز یکی از معروف ترین شاخصه های تشخیص معنای حقیقی از مجازی بوده است. عواملی همچون تبارمندی شاخصه مذکور در ثراث شیعه و اهل سنت، وجود نقض و ابرام های متعدد در حوزه حجت بودن شاخصه مذکور، سبب شده است که شاخصه استعمال در زمره مسائل چالشی علم اصول فقه قرار بگیرد. در جستار حاضر که به روش کتابخانه ای انجام شده است، اندیشه اصولیان شیعه و اهل سنت در مسئله دلالت استعمال بر معنای حقیقی، با رویکرد تحلیل و انتقادی مورد بازخوانی قرار گرفته است.

از برآیند پژوهش کنونی، این نتیجه حاصل شده است: هرچند استعمال، اعم از حقیقت و مجاز است، اما چنین اشکالی با توجه به حالت های مختلف معنای مجازی و حقیقی، نمی تواند کاشفیت شاخصه استعمال از معنای حقیقی را دچار اشکال کند. از طرفی، علامت خواندن استعمال به عنوان علامت معنای حقیقی، به ضمیمه عواملی همچون غلبه، در تضاد نیست. رویه عرب زبانان در دستیابی به معنای حقیقی واژگان از طریق استعمال بوده است. همچنین از جمله دلایل معتبر بودن شاخصه مذکور این موارد است: اقامه اجماع بر معتبر بودن شاخصه مذکور؛ رویه عرف و عقلای عالم در استعمال معنای حقیقی واژگان از طریق استعمال؛ هماهنگی میان شاخصه استعمال و هدف واضح نسبت به تفهیم معنای حقیقی به مجرد استعمال؛ و نیز عدم دلیل حمل لفظ بر معنای مجازی به هنگام استعمال واژه ای در معنای بدون قرینه. کاربرد شاخصه مذکور در مسائل اصولی همچون مفهوم حصر، ماده، صیغه امر و بسیاری از مباحث فقهی به روشنی نمایان است.

واژگان کلیدی: استعمال، معنای حقیقی، علامات معنای حقیقی، کشف موضوع له.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۰

abbasreziosolefegh@gmail.com

۱. دانش پژوه سطح ۲ و ۳ پیوسته رشته فقه و اصول مدرسه علمیه عالی نواب مشهد.

b.shakeri@iran.ir

۲. استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان، عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آخوند خراسانی (ره).

طرح مسئله

مباحث علم اصول فقه به صورت مرسوم، به سه دسته الفاظ، امارات و اصول عملیه تقسیم می‌شود. از جمله مباحث مربوط به باب الفاظ، علامات حقیقت و مجاز هستند. عمده دلیل احکام فقهی، آیات قرآن کریم و روایات مربوط به پیامبر ﷺ و اهل بیت  هستند. در نتیجه، به کارگیری علامات‌های حقیقت و مجاز به علت کارایی در حوزه واژگان موجود در قرآن و روایات، پدیده‌ای شایع در میان فقیهان است و در اندیشه اصولیان شیعه و اهل سنت، یکی از شاخصه‌های معنای حقیقی از مجازی، شاخصه استعمال است که از شهرت بسیاری برخوردار است. اما توجه ویژه اصولیان به مبحث استعمال سبب شکل‌گیری گفتمان‌ها و نظریات متعدد درباره علامت بودن آن شده است. علامت استعمال علی‌رغم اهمیت و کاربرد شگرف، در حوزه‌های مختلفی نیازمند بررسی و تحلیل است. اما علت شکل‌گیری پژوهش حاضر چند پرسش اساسی است:

۱. اشکال‌های علامت استعمال از دیدگاه عالمان اصولی شیعه و اهل سنت چیست؟
 ۲. شاخصه استعمال در فقه و اصول فقه شیعه و اهل سنت در کدام مسائل به کار گرفته شده است؟
- این نوشته می‌خواهد بعد از تبیین دیدگاه اصولیان شیعه و عامه اهل سنت در حوزه اشکالات شاخصه استعمال، به تحلیل ایرادهای علامت استعمال و چاره‌جویی‌های بیان‌شده بپردازد و در ادامه، کاربردها و تطبیق‌های شاخصه استعمال را ارائه کند.

پیشینه تحقیق

در پیشینه بحث شاخصه استعمال، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است و فقط در برخی از دروس خارج، به صورت خلاصه مورد بررسی قرار گرفته است.

وجوه تمایز نوشتار حاضر نسبت به مباحث مطرح‌شده در مورد شاخصه استعمال، که به نوعی از نوآوری‌های پژوهش حاضر محسوب می‌شود، در ادامه می‌آید:

الف: دیدگاه اصولیان شیعه و اهل سنت پیرامون اشکالات علامت استعمال، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و تلاش شده است دیدگاهی ارائه شود که مورد پذیرش شیعه و اهل سنت و نیز مصون از اشکال باشد.

ب: تطبیق و کاربرد ملموس و عینی شاخصه استعمال در فقه و اصول فقه شیعه و اهل سنت ارائه شده است.

مقدمه

استعمال از جمله روش‌هایی است که برخی از اصولیان در راستای دستیابی به معنای حقیقی، از آن بهره جسته‌اند. درباره تاریخچه این علامت، آنچه به نظر می‌رسد این است که سید مرتضی رحمته‌الله علیه اولین فردی است که در میان اصولیان شیعه استعمال را به عنوان شاخصه تشخیص معنای حقیقی پذیرفته است. ایشان می‌فرماید که لغت به واسطه استعمال شناخته می‌شود و اصل در لغت این است که استعمال به نحو حقیقی باشد و مجاز امری عارضی و خلاف اصل است، چرا که ممکن است واژه‌ای دارای معنای حقیقی باشد اما فاقد معنای مجازی باشد. با وجود این، مجاز بدون حقیقت ممکن نیست. بنابراین، روال طبیعی، اقتضای آن را دارد که استعمال دلیل بر حقیقی بودن معنا باشد و مخالفت با این امر (مجاز) نیازمند قرینه باشد.

۱. دیدگاه‌ها

با توجه به اینکه شاخصه استعمال، شاخصه‌ای ریشه‌دار در میان اصولیان شیعه و اهل سنت بوده است، دیدگاه اصولیان به شرح ذیل است:

- برخی از اندیشوران اصولی شیعه و اهل سنت شاخصه مذکور را به عنوان فارق بین معنای حقیقی و مجازی پذیرفته‌اند (علم الهدی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳؛ ارموی، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۳؛ ابن زهره، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۰؛ حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۵۷؛ مقدس اردبیلی، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۹).
- برخی از دانشمندان اصولی شاخصه استعمال را به عنوان شاخصه معنای حقیقی پذیرفته‌اند (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۶۱؛ ابن تیمیه، بی تا، ج ۷، ص ۱۹۶؛ حسن بن زید الدین، بی تا، ص ۱۰۳).

۲. اشکالات

اشکال اول: برخی از دانشمندان اصولی بیان کرده‌اند: استعمال موضوع له واژگان به واسطه استعمال، سیره عقلا است، اما عقلا سبب بهره‌گیری از شاخصه استعمال برای دستیابی به معنای حقیقی واژگان را، این می‌دانند که شاخصه استعمال، علت قطع پیدا کردن به موضوع له واژگان است. اما هنگامی که شاخصه مذکور مفید قطع به موضوع له واژگان نباشد، سیره رجوع به شاخصه استعمال برای کشف معنای حقیقی ثابت نیست (شیرازی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۴).

پاسخ: در مباحث الفاظ نیازی به قطع و یقین نیست، چرا که مرجع در این مباحث، عرف است و عرف به کفایت ظن در مباحث الفاظ حکم می‌کند و عقلا نیز ظن را در مباحث الفاظ حجت می‌دانند. از

سوی، بسیاری از علامات حقیقت و مجاز، به طور قطعی کاشف از معنای حقیقی یا مجازی نیستند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۳۴۳).

اشکال دوم: برخی از دانشمندان اصولی بیان کرده‌اند: استعمال، کاشف از معنای موضوع له واژگان نیست، چراکه استعمال، اعم از حقیقت و مجاز است (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۶۱).

پاسخ: اشکال مذکور در میان اندیشوران اصولی شیعه از شهرت قابل توجهی برخوردار است و با پاسخ‌های متعددی از سوی ایشان روبه‌رو شده است. به نظر می‌رسد که با بررسی دقیق ایراد مطرح شده و تعیین دقیق محل نزاع می‌توان به این اشکال پاسخ داد.

ایراد مزبور ابتدا در میان فقهای حنفی مذهب در بحث مجاز مطرح شد. فقیهان حنفی مذهب در بحث حمل لفظ بر معنای حقیقی یا مجازی گفته‌اند که در این بحث چند حالت متصور است:

الف: گاهی استعمال واژه در معنای مجازی نسبت به معنای حقیقی مرجوح است و معنای مجازی فقط هنگام وجود قرینه از واژه فهمیده می‌شود که در این صورت، اگر واژه مذکور به صورت مطلق استعمال شود، باید بر معنای حقیقی حمل شود.

ب: گاهی استعمال واژه در معنای مجازی و حقیقی به یک اندازه است و به همین جهت، قرینه معنای مجازی حذف می‌شود که در این صورت نیز در هنگام استعمال واژه به صورت مطلق، واجب است لفظ حمل بر معنای حقیقی شود.

ج: گاهی استعمال لفظ در معنای مجازی بسیار زیاد است و در مقابل، عرف واژه را در معنای حقیقی استعمال نکرده است (مجاز راجح)، که در این صورت، هنگام استعمال لفظ به صورت مطلق، باید لفظ را حمل بر معنای مجازی کرد.

د: گاهی استعمال واژه در معنای مجازی بسیار زیاد است، اما واژه در برخی اوقات در معنای حقیقی نیز استعمال می‌شود که در این قسم، فقهای حنفی مذهب توقف کرده‌اند و فرموده‌اند: اگر واژه به صورت مطلق استعمال شد، نمی‌توان آن را حمل بر معنای حقیقی یا مجازی کرد و استعمال، اعم از حقیقت و مجاز است، چراکه استعمال در این قسم عام است و دلالت بر خاص (معنای حقیقی یا مجازی) ندارد.

بنابراین براساس مطالب بیان شده، این نتیجه به دست می‌آید که اندیشمندان اصولی شیعه، بدون توجه به محل نزاع، اشکال عمومیت استعمال نسبت به معنای حقیقی را مطرح کرده‌اند، در حالی که اشکال

مطرح شده عمومیت ندارد و فقط هنگامی که شرایط حالت چهارم (کثرت استعمال لفظ در معنای مجازی و استعمال لفظ در برخی مواقع در معنای حقیقی) موجود باشد، شاخصه استعمال، کاشف از موضوع له و ازگان نیست (قرافی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۹۳۹).

سایر پاسخ های مطرح شده به شرح ذیل است:

پاسخ اول: سیره عقلامبنی بر بهره گیری از روش استعمال برای دستیابی به موضوع له و ازگان است (شیرازی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۴؛ مصطفوی، ۱۳۹۷، جلسه ۱۳۹۷/۱۱/۳).

پاسخ دوم: سید مرتضی رحمته الله علیه متوجه چنین اشکالی بوده است و در پاسخ می فرماید: لغت عرب به واسطه استعمال شناخته می شود. به نظر می رسد پاسخ سید مرتضی رحمته الله علیه موجه و دقیق است، چراکه بسیاری از لغویان زبده عرب زبان نیز به بهره گیری از شاخصه استعمال برای دستیابی به معنای حقیقی تصریح کرده اند. به عنوان نمونه، ابن عباس می فرماید: من معنای واژه «فاطر» را نمی دانستم و هنگامی که دو شخصی که نسبت به چاه آبی اختلاف داشتند، نزد من آمدند و یکی از آن ها گفت: أنا فطرها (یعنی اخترعها)، من به معنای دقیق واژه «فطر» دست یافتم. همین امر در مورد اصمعی که از کارشناسان لغت عرب است، در بحث واژه «دهاق» نیز نقل شده است (علم الهدی، بی تا، ص ۲۰۳؛ ابن اثیر، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۴۵۷؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۳۷۶).

پاسخ سوم: برخی از دانشمندان اصولی فرموده اند: بین مبنای سید مرتضی رحمته الله علیه که معتقد است استعمال، کاشف از معنای حقیقی است و بین کلام مشهور اصولیان که استعمال اعم از حقیقت و مجاز است، تنافی وجود ندارد، چراکه استعمال به ذات و به نفسه اعم از حقیقت و مجاز است و عقلا نیز صرف استعمال را مستلزم حقیقی بودن معنا نمی دانند. اما استعمال با ملاحظه قیودی همانند غلبه یا لحاظ نکردن چنین قیودی، ظهور در حقیقت دارد، همانند مبحث مطلق در باب اوامر که انصراف به برخی افراد دارد، حال چه انصراف مطلق به برخی افراد به واسطه غلبه باشد یا بدون غلبه، زیرا ملاک در باب انصراف، عرف است و عرف ضابطه مند نیست. در نتیجه، انصراف مطلق به برخی از افراد نیازمند غالب الوجود بودن افراد یا کثیر الوجود بودن فرد نیست. در بحث فعلی نیز همین گونه است و استعمال ظهور در حقیقت دارد و چنین امری از باب انصراف مطلق به برخی از افراد است (کلباسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۵).

پاسخ چهارم: این دلیل از صغری و کبری بهره گرفته است:

صغری: اکثر استعمالات عرب به نحو حقیقت است.

کبری: الظن يلحق الشيء بالأعم الغالب.^۱

بنابراین، با توجه به اینکه اکثر استعمال‌های عرب به نحو حقیقت است، استعمال کاشف از معنای حقیقی است و هرگاه استعمالی مردّد بود بین حقیقی یا مجازی، با توجه به قاعده غلبه، حکم به حقیقی بودن استعمال می‌شود (طارمی، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۵).

اشکال

الف: اکثر استعمالات عرب به نحو مجازی است، نه حقیقی. بنابراین دلیل مذکور مخدوش است.

پاسخ: چنین اشکالی مطرح نیست، چراکه ابن جنید تنها فردی است که ادعا کرده اکثر استعمال‌های عرب به نحو مجازی است، در حالی که بسیاری از دانشمندان اصولی شیعه و اهل سنت با چنین ادعایی مخالفت کرده و گفته‌اند که چنین ادعایی مخالف وجدان است. از سوی دیگر، کاربرد استعمال مجازی در محاورات عرفی بسیار اندک است، زیرا بنای محاورات بر اظهار بلاغت و فصاحت و مزایایی نیست که خطبا و فصحا رعایت می‌کنند (حائری اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۱).

ب: ظن غالبی سبب الحاق فرد مشکوک به فرد غالب و کثیر الوجود نمی‌شود، چراکه دلیلی بر اعتبار چنین ظنی به عنوان حجت وجود ندارد.

پاسخ: اشکال مذکور وارد نیست، زیرا اعتبار ظن در مباحث الفاظ پذیرفته شده است و عقلاً حکم به حجیت آن می‌کنند (مظفر، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶).

پاسخ پنجم: برخی از اندیشمندان اصولی اعتبار شاخصه استعمال به عنوان فارق بین معنای حقیقی و مجازی را به دلیل اجماع پذیرفته‌اند (ارموی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۸).

پاسخ ششم: مفسران و لغویان شاخصه استعمال را به عنوان ملاک تشخیص معنای حقیقی از مجازی پذیرفته‌اند (ارموی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۸؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۶).

پاسخ هفتم: رویه عرف و سیره عقلا بر این شکل گرفته است که شاخصه استعمال به عنوان فارق بین معنای حقیقی و مجازی معتبر خوانده شود (شهرستانی، بی تا، ج ۱، ص ۵۵).

پاسخ هشتم: هنگامی که واژه ای در معنای خاصی استعمال می شود، شرط حمل لفظ بر معنای مجازی، وجود قرینه است و چنین شرطی در مانحن فیه وجود ندارد، در نتیجه، لفظ بر معنای حقیقی حمل می شود (فخرالدین رازی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۳۹).

پاسخ نهم: هدف واضع از وضع واژگان برای معانی، این است که به وسیله پدیده وضع، به دلالت لفظ بر معنا اکتفا شود، به این بیان که مجرد استعمال لفظ، معنای موضوع له و حقیقی را برساند و دیگر نیاز به چیزی نباشد. بنابراین چنانچه لفظ در دلالت کردن بر معنای حقیقی، بر امری بیشتر از استعمال نیازمند باشد، چنین امری با مقصود و هدف واضع تنافی دارد (ارموی، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۹).

پاسخ دهم: حقیقت فقط نیازمند وضع است، اما مجاز افزون بر وضع، نیازمند علاقه و نقل نیز هست. در نتیجه، ترجیح با حقیقت است (فخرالدین رازی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۳۹).

پاسخ یازدهم: اگر اصل در کلام، حمل لفظ بر معنای حقیقی نباشد باید به یکی از دو امر ذیل ملتزم شد:

۱. اصل در کلام، مجاز است که اجماع بر بطلان چنین مبنایی داریم.
۲. اصل در کلام، نه حقیقت است نه مجاز، که در این صورت تمامی کلام شارع بین حقیقت و مجاز مردّد می شود و نتیجه اش این است که کل کلام شارع مجمل است. چنین امری به اتفاق باطل است و از سویی باعث می شود که حتی تمامی الفاظی که در عرف به کار گرفته می شود نیز مجمل باشد (فخرالدین رازی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۳۹).

نظر مختار در داوری میان دو دیدگاه: به نظر می رسد دیدگاه سید مرتضی رحمته الله علیه، دیدگاه صحیح و موجهی است، زیرا چنین شاخصه ای، وام گرفته از حکمت و هدف وضع الفاظ برای معانی است. هدف واضع از وضع الفاظ این است که واژه به نفس و بدون نیاز به هیچ امری، دلالت بر معنای موضوع له داشته باشد و اگر چنین شاخصه ای مخدوش باشد، باب دستیابی به معانی واژگان مسدود می شود.

برخی از اندیشمندان اصولی اهل سنت گفته اند که استعمال کاشف از معنای حقیقی است. اما پذیرفتن چنین دیدگاهی، مشروط بر این است که شاخه استعمال، سبب شکل گیری اشتراک لفظی در واژگان نشود، چراکه اصل، عدم اشتراک است (صفی الهندی، بی تا، ج ۸، ص ۳۵۹).

۳. کاربردهای شاخصه استعمال در علم فقه، قواعد فقه و اصول فقه

شاخصه استعمال در علم اصول فقه نقش مهمی ایفا می‌کند، زیرا از طریق بررسی کاربردهای الفاظ در متون دینی و ادبیات فقهی، می‌توان به قواعدی دست یافت که در استنباط احکام شرعی کاربرد دارند. این شاخصه به‌ویژه در مباحثی مانند وضع الفاظ، مشتق و ماده امر، مورد توجه اصولیان قرار گرفته و اختلاف نظرهایی را میان اندیشمندان فقهی و اصولی ایجاد کرده است. در ادامه، به برخی از کاربردهای اصولی این شاخصه اشاره می‌شود.

۳-۱. کاربردهای اصولی

• بحث مشتق مربوط به وضع الفاظ برای خصوص متلبس بالمبدء یا وضع الفاظ برای اعم از متلبس بالمبدء و منقضى عنه التلبس است. برخی از اصولیان در این باره گفته‌اند: در آیه زانی و سارق، مشتق در اعم از متلبس بالمبدء استعمال شده است و استعمال، کاشف از حقیقت است. در نتیجه، مشتق برای اعم از متلبس بالمبدء وضع شده است (بامیانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۲۶، به نقل از بابرتی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۸۸).

• در موضوع له ماده امر اختلاف است که آیا برای خصوص قول وضع شده است یا اینکه شامل فعل هم می‌شود. سید مرتضی رحمته الله علیه با استناد به شاخصه استعمال فرموده است که ماده امر هم برای معنای قول وضع شده است و هم برای معنای فعل (علم الهدی، بی تا، ص ۲۰۲). اما برخی از اندیشمندان اصولی اهل سنت گفته‌اند: ماده امر به دلیل استعمال، فقط برای معنای فعل، وضع شده است (شوکانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۴۱).

• درباره موضوع له صیغه امر بین اصولیان اختلاف است که آیا برای وجوب وضع شده است یا ندب؟ سید مرتضی رحمته الله علیه گفته است: با توجه به اینکه صیغه امر هم در معنای وجوب استعمال شده است و هم در معنای ندب، بنابراین برای هر دو معنا وضع شده است و مشترک لفظی بین معنای وجوب و استحباب است (علم الهدی، بی تا، ص ۳۸). برخی از اندیشمندان اصولی اهل سنت گفته‌اند: صیغه امر ظهور در وجوب دارد، به دلیل استعمال در آیه «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ» (نور: ۶۳) (به نقل از قرافی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۲۳۲).

• سید مرتضی رحمته الله علیه معتقد است که صیغه امر به صورت مطلق و عاری از هرگونه قرینه، حقیقت در «مَرَّة و تکرار» است، زیرا صیغه امر در قرآن در هر دو معنا استعمال شده است (علم الهدی،

بی تا، ص ۴۰). برخی از اندیشمندان اصولی اهل سنت گفته‌اند: صیغه امر هنگامی که به صورت مطلق استعمال شود، دلالت بر تکرار دارد، به دلیل استعمال در آیه «آتُوا الزَّكَاةَ» (قرافی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۲۸).

• برخی از اندیشمندان اصولی اهل سنت گفته‌اند: در صیغه امر، علو و استعلا شرط نیست، چراکه در آیه شریفه «فَمَاذَا تَأْمُرُونَ»، صیغه امر بدون استعلا و علو استعمال شده است (صنعانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۷۷).

• برخی از اصولیان اهل سنت گفته‌اند: صیغه نهی، گاهی در تکرار استعمال شده است و گاهی در مرة. در نتیجه، صیغه نهی برای قدر مشترک وضع شده است (همان، ص ۲۹۲).

• در بحث دلالت صیغه امر بر فور یا تراخی، دیدگاه‌های متعددی وجود دارد. اما برخی از اصولیان گفته‌اند: هنگامی که استعمالات صیغه امر مورد بررسی قرار می‌گیرد، این نتیجه حاصل می‌شود که در برخی موارد در فوریت استعمال شده است و در برخی موارد در تراخی. استعمال صیغه امر در هر دو دلالت دارد که برای هر دو معنا وضع شده و مشترک بین فور و تراخی است (علم الهدی، بی تا، ص ۴۵). برخی از دانشمندان اصولی اهل سنت گفته‌اند: صیغه امر هنگامی که به صورت مطلق استعمال می‌شود، به دلیل استعمال، دلالت بر فوریت دارد (ارموی، بی تا، ج ۱، ص ۲۸۹).

• سید مرتضی رحمته الله علیه در بحث دلالت نهی بر فساد گفته است: نهی موجب فساد نیست زیرا لفظ نهی در صحیح و فاسد استعمال شده است و با توجه به اینکه استعمال دلیل حقیقت است، در نتیجه، نهی مشترک در صحیح و فاسد است (علم الهدی، بی تا، ص ۱۸۳).

• مقدس اردبیلی رحمته الله علیه در بحث زکات، به این مناسبت که ملاک ولد آن است که فقط از طرف پدر باشد یا اینکه از طرف مادر نیز کفایت می‌کند، قول سید مرتضی رحمته الله علیه را ترجیح می‌دهد. پس از نقل روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله که امام حسن مجتبی و امام حسین علیهما السلام را فرزند خود خوانده‌اند، می‌گوید: اصل در استعمال آن است که معنای حقیقی در نظر گرفته شود (مقدس اردبیلی، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۹).

• برخی از اصولیان پیرامون وضع الفاظ برای خصوص صحیح یا اعم از صحیح و فاسد گفته‌اند: الفاظ عبادات برای اعم از صحیح وضع شده‌اند و دلیل چنین امری، استعمال الفاظ عبادات در اعم از صحیح است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۱).

• برخی از اندیشمندان اصولی در بحث مفهوم حصر گفته‌اند: واژه «إِنَّمَا» دلالت بر حصر دارد، به دلیل استعمال واژه مذکور در موارد حصر (موسوی قزوینی، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۱۲؛ نمله، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۷۹۳).

۳-۲. کاربردهای فقهی وقواعد فقهی

- برخی از فقها گفته‌اند: واژه «نکاح» هم به معنای «وطی» و هم به معنای «عقد مخصوصی» است؛ چراکه در هر دو معنا استعمال شده است (عوفی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۵).
- برخی دیگر گفته‌اند: واژه «قرء» به دو معنای حیض و طهر است، چراکه در هر دو معنا استعمال شده است (بخاری، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۴).
- برخی در بحث قاعده فقهی «انما الاعمال بالنیات» گفته‌اند: واژه «نیت» به دلیل استعمال، به معنای قصد قلبی بر امری است (حکیم، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲۵).
- برخی گفته‌اند: واژه «غصب» عبارت است از گرفتن چیزی به صورت زور و اجبار، و دلیل این امر را استعمال دانسته‌اند (علی حیدر، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۹۴).
- در بحث حقیقت واژه «فجور»، برخی گفته‌اند: واژه مذکور حقیقت در معنای زنا و وطی نیست، بلکه حقیقت در قدر مشترک بین تمام معاصی (مانند بوسیدن و لمس) است و دلیل آن را اماره استعمال دانسته‌اند، چراکه واژه فجور در تمامی معانی مذکور استعمال شده است (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۳۹).
- برخی در بحث شمولیت واژه «بیع» نسبت به معاطات گفته‌اند: بیع برای قدر جامع وضع شده است که شامل معاطات و بیع منعقد شده به وسیله صیغه مخصوص می‌شود، چراکه واژه بیع در هر دو معنای مذکور استعمال شده است (موسوی قزوینی، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۹۱).

نتیجه‌گیری

براساس مطالب بیان شده، این نتایج به دست آمده است:

۱. هرچند استعمال اعم از حقیقت و مجاز است، اما با توجه به حالت‌های مختلف معنای مجازی و حقیقی، چنین اشکالی نمی‌تواند کاشفیت شاخصه استعمال از معنای حقیقی را دچار اشکال کند.
۲. علامت خواندن استعمال به عنوان فارق بین معنای حقیقی و مجازی، به ضمیمه عواملی همچون غلبه پدیده استعمال در معنای حقیقی، دلیل بر صحت ادعای سید مرتضی رحمه الله علیه است.
۳. رویه عرب‌زبانان در دستیابی به معنای حقیقی واژگان از طریق استعمال بوده است. همچنین از جمله دلایل معتبر بودن شاخصه مذکور، این موارد است: اقامه اجماع بر معتبر بودن شاخصه مذکور؛ رویه عرف و عقلای عالم در استعمال معنای حقیقی واژگان از طریق استعمال و هماهنگی میان شاخصه استعمال و هدف واضع نسبت به تفهیم معنای حقیقی به مجرد استعمال؛ و نیز عدم دلیل حمل لفظ بر معنای مجازی به هنگام استعمال واژه‌ای در معنای بدون قرینه.
۴. کاربرد شاخصه مذکور در مسائل اصولی همچون مفهوم حصر، ماده و صیغه امر، و بسیاری از مباحث فقهی به روشنی نمایان است.

❁ پی نوشت

۱. موارد مشکوک بر موارد غالبی ملحق می شود.

❁ فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، مجد الدین ابو السعادات المبارک بن محمد بن محمد بن محمد بن الکریم، (۱۴۱۲ق)، **النهایه فی غریب الحدیث و الأثر**، بیروت: مکتبه العلمیه.
۲. ابن تیمیه، احمد، (بی تا)، **مجموع الفتاوی**، بیروت: دار الوفاء.
۳. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، (۱۴۱۲ق)، **تفسیر الرازی**، تهران: اساطیر.
۴. آخوند خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۰۹ق)، **کفایه الأصول**، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۵. ارموی، عبد الحمید، (بی تا)، **التحصیل من المحصول**، بیروت: الرساله.
۶. بابرئی، محمد بن محمود بن احمد، (۱۴۲۶ق)، **الردود و النقود شرح مختصر ابن حاجب**، ریاض: مکتبه الرشد.
۷. بامیانی، غلام علی، (۱۴۰۸ق)، **دروس فی الکفایه**، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۸. بخاری، علاء الدین، (بی تا)، **کشف الأسرار عن اصول فخر الإسلام**، بیروت: دارالکتاب الإسلامی.
۹. حائری اصفهانی، محمد حسین، (۱۴۰۴ق)، **الفصول الغریبه فی اصول الفقهیه**، قم: دارالاحیاء العلوم الإسلامیه.
۱۰. حسن بن زید الدین، ابو منصور جمال الدین، (بی تا)، **معالم الدین و ملاذ المجتهدین**، قم: شریف رضی.
۱۱. حسینی شیرازی، سید محمد، (۱۴۲۶ق)، **الوصول إلى کفایه الأصول**، قم: دارالحکمه.
۱۲. حکیم، سید محمد تقی، (۱۴۲۹ق)، **القواعد العامه فی الفقه المقارن**، تهران: المجمع العالمی للتقريب بین المذاهب الإسلامیه.
۱۳. حلبی، حمزه بن علی بن زهره، (بی تا)، **غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع**، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۴. حلّی، محمد بن ادریس، (۱۴۱۰ق)، **السرائر**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. شهرستانی، محمد حسین، (بی تا)، **غایه المسوول**، بی جا: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۱۶. شوکانی، محمد بن علی، (۱۴۱۹ق)، **ارشاد الفحول إلى تحقیق الحق من علم الأصول**، دمشق: دارالکتاب العربی.
۱۷. شیرازی، محمد حسن، (۱۴۰۹ق)، **تقریرات آیت الله مجدّد شیرازی**، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۱۸. الصفی الهندی، صفی الدین محمد بن عبد الرحیم، (۱۴۲۶ق)، **نهایه الوصول فی درایه الأصول**، مکه: مکتبه التجاریه.
۱۹. صنعانی، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۱ق)، **اجابه السائل شرح بغیه الأمل**، بیروت: الرساله.
۲۰. طارمی، جواد، (بی تا)، **الحاشیه علی قوانین الأصول**، قم: دارالقرآن الکریم.
۲۱. طباطبائی، سید محمد بن علی، (بی تا)، **المناهل**، قم: آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.
۲۲. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن، (۱۴۱۷ق)، **العهده فی اصول الفقه**، قم: تیزهوش.
۲۳. علم الهدی، علی بن حسین، (بی تا)، **الذریعه إلى اصول الشریعه**، تهران: دانشگاه تهران.

۲۴. علی حیدر، خواجه امین افندی، (۱۴۱۱ق)، درر الأحکام فی شرح مجله الأحکام، بی جا: دار الجیل.
۲۵. عوفی، عوض بن رجاء، (۱۴۲۳ق)، الولایه فی النکاح، مدینه منوره: بی نا.
۲۶. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، (۱۴۱۲ق)، المحصول فی علم الأصول، بیروت: مؤسسة الرساله.
۲۷. قرافی، شهاب الدین احمد بن ادريس، (۱۴۱۶ق)، نفائس الأصول فی شرح المحصول، بی جا: مکتبه نزار مصطفى الباز.
۲۸. کلباسی، محمد بن محمد بن ابراهیم، (بی تا)، رسائل المحقق الکلباسی، قم: بی نا.
۲۹. مصطفوی، کاظم، (۱۳۹۷)، خارج اصول فقه.
۳۰. مظفر، محمد رضا، (بی تا)، اصول الفقه، بی جا: اسماعیلیان.
۳۱. مقدس اردبیلی، مولی احمد، (بی تا)، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم: نشر اسلامی.
۳۲. مقدس اردبیلی، مولی احمد، (بی تا)، تعلیقه علی معالم الأصول، قم: نشر اسلامی.
۳۳. مقدس اردبیلی، مولی احمد، (بی تا)، ینایع الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳۴. نمله، عبد الکریم، (بی تا)، المذهب فی علم اصول الفقه المقارن، ریاض: مکتبه الرشد.



Journal of On The Path of Ijtihad
Vol.2, No.2, Spring and summer 2025
Issn: 3060-8430 | EIssn: 3092-6734

Promotional Article

Examining the Significance of Usage over True Meaning from the Perspective of the Sectarrians

Abas Rezaei¹

Balal Shakeri²

Abstract

The indicator of usage (shākh-e istimāl) has long been recognized as one of the most established criteria for distinguishing literal (ḥaqīqī) from metaphorical (majāzī) meaning in the discourse of Shiite and Sunni jurisprudents (uṣūliyyūn). Its deep roots in both intellectual traditions (turāth), alongside persistent debates over its probative validity (ḥujjiyya), have rendered it a significant and contentious issue within Islamic legal theory ('ilm uṣūl al-fiqh). This library-based study employs an analytical-critical methodology to reassess jurisprudential views on the indicatory value (dalāla) of usage (istimāl) in signifying literal meaning.

The research concludes that although usage encompasses both literal and metaphorical applications, this inclusivity—given the diverse nature of ḥaqīqī and majāzī meanings—does not undermine the indicator's revelatory capacity (kāshifiyyat) regarding literal meaning. Designating usage as a sign ('ālāmāt) of literal meaning, particularly when supplemented by factors such as predominant usage (ghalaba), remains epistemologically consistent. Historically, Arabic speakers ascertained literal meanings through customary application. Key arguments validating this indicator include: scholarly consensus (ijmā'); the tradition of rational agents (sīra uqalā') in consulting usage; its alignment with the linguistic originator's (wāḍi') intent to convey literal meaning upon mere utterance; and the absence of contextual indicators (qarīna) justifying metaphorical interpretation. Its applicability is evident in jurisprudential principles such as the concept of restriction (mafhūm al-ḥaṣr), lexical substance (mādda), imperative forms (ṣiġhat al-amr), and diverse substantive law (fiqh) issues.

Keywords: Usage (Istemāl); Literal Meaning (Ḥaqīqī); Indicators of Literal Meaning ('Ālāmāt al-Ma'nā al-Ḥaqīqī); Discovery of the referent (Mawḍū' la-hu).

* Date received: 2024/01/03

Date of admission: 2025/01/09

1. 2nd level student of jurisprudence and principles at the Nawab School of Mashhad (responsible author).

(abbasreziosolefegh@gmail.com)

2. Professor of higher levels of Khorasan Seminary. Member of the academic staff of the Akhund Khorasani Specialized Center.

(b.shakeri@iran.ir)